

فصلنامه علمی - پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهرا

سال ششم، شماره ۱۲، پاییز ۱۳۹۳

رمزگردانی و رمزآمیختگی

(مطالعه موردی کلاس‌های آموزش زبان انگلیسی در شهرستان بوکان)

محمد عموزاده^۱

رحمان ویسی حصار^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۴/۱۴

تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۲/۱۶

چکیده

در این مقاله، پدیده رمزگردانی^۳ موقعیتی و استعاری و همچنین رمزآمیختگی^۴ بین زبان‌های فارسی، کردی و انگلیسی در کلاس‌های آموزش زبان انگلیسی در شهرستان بوکان را بررسی کرده‌ایم. تحلیل داده‌های این تحقیق نشان می‌دهد در پدیده‌های رمزگردانی و رمزآمیختگی، سه عنصر بافت، شناخت و زبان، با هم ارتباطی تنگاتنگ دارند و بر این اساس می‌توان گفت دو پدیده رمزگردانی موقعیتی و استعاری در این کلاس‌ها برحسب تغییر

۱. دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه اصفهان؛ amouzadeh@fgn.ui.ac.ir

۲. دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه اصفهان؛ veisirahman@yahoo.com

3. Code Switching

4. Code-Mixing

چهارچوب‌های ذهنی^۱ رخ می‌دهند. چهارچوب‌های ذهنی در رمزگردانی موقعیتی، بافت و الزامات اجتماعی را منعکس می‌کنند و در رمزگردانی استعاری، بیانگر محتوا و موضوعات موردبحث‌اند؛ همچنین بررسی داده‌ها نشان می‌دهد بین عوامل و رمزگان‌های معین، ارتباطی معنادار وجود دارد و فعال‌شدن هر یک از این عوامل، باعث فعال‌شدن رمزگان مربوط به آن می‌شود. از جمله این عوامل می‌توان هم‌بستگی قوی^۲، غیررسمی بودن، انتقال بار عاطفی زبان و نقش نمادین مربوط به رمزگان کردی و عوامل هم‌بستگی ضعیف^۳، رسمی بودن، انتقال اطلاعات ارجاعی و نقش اطلاعی-ارتباطی مربوط به رمزگان فارسی را نام برد. در نهایت، تحلیل داده‌های مربوط به پدیده رمزآمیختگی، بیانگر آن است که فعال‌بودن هم‌زمان چهارچوب‌های ذهنی متفاوت هنگام بیان عبارتی خاص، باعث بروز رمزآمیختگی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: رمزگردانی، رمزآمیختگی، آموزش زبان

انگلیسی، فارسی، کردی.

۱. مقدمه

رمزگردانی، یکی از پدیده‌های درخور توجه در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی و از ویژگی‌های جامعه‌های چندفرهنگی است. این پدیده در ایران نیز به‌عنوان جامعه‌ای چندفرهنگی، مورد توجه بوده و جنبه‌های دستوری، اجتماعی و آموزشی آن بررسی شده است؛ اگرچه در بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه، به رمزگردانی بین زبان‌های فارسی و انگلیسی پرداخته شده و نقش دیگر رمزگان‌های بومی، مورد توجه نبوده است

1. Frame
2. High Solidarity
3. Low Solidarity

(ماهوتیان، ۱۹۹۶؛ کیم^۱ و رضاییان، ۲۰۰۷؛ اسلامی راسخ و دیگران، ۲۰۰۹؛ محمد مؤمنیان و دیگران، ۲۰۱۱؛ رضوانی و دیگران، ۲۰۱۱).

رمزگردانی، عبارت از انتخاب از میان رمزگان‌های^۲ متفاوت برحسب وضعیت بافتی است. هر زبانمند، گنجینه‌ای^۳ از گونه‌های زبانی و رمزگان‌های متفاوت را در اختیار دارد که با توجه به هدف‌های خود، نیازهای مشارکان در کلام، مقتضیات کلام و محیط ارتباطی، از میان آن‌ها یکی را به‌تناوب برمی‌گزیند و جای‌گزین دیگری می‌کند. این پدیده، جزو توانایی‌های فردی زبانمندان در محیط‌های ارتباطی است و برای هماهنگ‌شدن با الزام‌های اجتماعی، به فرد کمک می‌کند (واردوف^۴، ۱۹۹۲: ۸۶؛ بولاک و توریو^۵، ۲۰۰۹: ۱ و ۲؛ مایر^۶، ۱۹۹۵: ۱۱؛ هادسون^۷، ۱۹۸۰: ۵۸ تا ۶۰؛ هلمز^۸، ۱۹۹۲: ۶ تا ۳۵).

فرایند رمزگردانی، محصول این واقعیت است که رمزگان‌ها به‌لحاظ اجتماعی، معانی و کارکردهایی متفاوت دارند و از این روی، فرد برای برآوردن نیازهای ارتباطی متفاوت خود، ناگزیر است رمزگان‌های مناسب را در بافت‌های مناسب برگزیند. از میان عواملی که انتخاب زبانمندان را هنگام رمزگردانی هدایت می‌کنند، می‌توان چهار عامل اساسی بدین شرح را نام برد: هم‌بستگی، منزلت، رسمیت و کارکرد. هم‌بستگی عبارت از روابطی صمیمانه است که بین افراد درگیر در رابطه، برقرار می‌شود و نقطه‌مقابل آن، فاصله اجتماعی و روابط غیرصمیمانه بین افراد است. منزلت، به روابط فرادستی و فرودستی میان مشارکان در ارتباط، مربوط است. در هر مکالمه‌ای، سخن‌گفتن با افراد فرودست یا فرادست، رمزگان‌های متناسب با خود را می‌طلبد. رسمیت نیز با رسمی یا خودمانی بودن نوع تعامل، مرتبط است و کارکرد هم ممکن است از نوع عاطفی یا ارجاعی باشد. زبان‌های بومی معمولاً کارکرد و محتوای عاطفی^۹ دارند و دارای بار ارجاعی ای اندک‌اند؛ اما

-
1. Lam Kim
 1. Code
 2. Repertoire
 4. Ronald Wardhaugh
 5. Barbara Bullok and Toribio Almedeia Jacqueline
 6. Carol Myers
 7. R. A. Hudson
 8. Janet Holmes
 8. Affective Content

درمقابل، زبان معیار یا رسمی، محتوای ارجاعی^۱ و اطلاعات زیاد، و بار عاطفی‌ای اندک دارد. هر کدام از این عوامل می‌توانند در یک موقعیت ارتباطی، بر انتخاب رمزگانی خاص به‌جای رمزگانی دیگر، مؤثر باشند؛ به عبارت دیگر، زبان‌ها نقش‌های نمادین^۲ و ارتباطی^۳ دارند. زبان در نقش ارتباطی خود، بیشتر برای انتقال اطلاعات به‌کار می‌رود؛ ولی در نقش نمادین، نشان‌دهنده هویت و تعلق فرهنگی است (هلمز، ۱۹۹۲: ۱۲ تا ۱۴؛ ادواردز^۴، ۲۰۰۹: ۴۰؛ بولاک و توریو، ۲۰۰۹: ۱۰). پدیده رمزگردانی، به‌میزانی بسیار زیاد، از این دو نقش اخیر، متأثر است و گاه صرفاً برای بیان تعلق فرد به گروهی خاص رخ می‌دهد.

رمزگردانی را می‌توان بر دو نوع موقعیتی^۵ و استعاری^۶ تقسیم کرد. رمزگردانی موقعیتی، هنگامی رخ می‌دهد که تغییر رمزگان با توجه به موقعیت و بافت اتفاق می‌افتد؛ مثلاً الزام‌های اجتماعی و قوانین مدنی از علت‌های اصلی این تغییر رمزگان به‌شمار می‌روند. زبانمندان در این وضعیت، زبانی را در موقعیتی خاص و زبانی دیگر را با توجه به الزام‌های اجتماعی، در موقعیتی دیگر به‌کار می‌برند؛ اما در رمزگردانی استعاری، عامل اصلی در تغییر رمزگان‌های زبانی، موقعیت ارتباطی نیست؛ بلکه موضوع سخن، نوع رمزگان را تعیین می‌کند. در این وضعیت، زبانمند برای سخن گفتن درباره موضوعی خاص، از رمزگانی ویژه به‌جای رمزگان‌های دیگر استفاده می‌کند (ترادگیل^۷، ۲۰۰۰: ۱۹۴؛ واردوف، ۱۹۹۲: ۱۰۳؛ ادواردز، ۲۰۰۹: ۱۳۰). در رمزگردانی استعاری، یک رمزگان می‌تواند بیانگر هم‌بستگی و رابطه صمیمانه بین افراد و رمزگان دیگر، بیانگر فاصله اجتماعی بین آنان باشد. نمونه گویای رمزگردانی استعاری، شهری در شمال نروژ به‌نام همنسبرگ^۸ است. در این شهر، موقعیتی دوزبانه بدین شرح حاکم است که زبان بوکمال^۹ به‌عنوان زبان معیار و زبان رانمال^{۱۰} به‌عنوان زبان محلی به‌کار می‌رود. افراد بومی در اماکنی خاص، به‌زبان محلی و در

-
1. Information Content
 2. Symbolic
 3. Communicative
 4. John Edwards
 5. Situational
 6. Metaphorical
 7. Peter Trudgill
 8. Hemnesbergete
 9. Bokmal
 10. Ranmal

اماکن رسمی، به زبان بوکمال، سخن می‌گویند و کارمندان هنگام حضور در اداره، پاره‌گفت‌هایی را به دو زبان رسمی و محلی بیان می‌کنند. امور دوستانه با استفاده از زبان غیررسمی و موضوعات اداری نیز با استفاده از زبان رسمی بیان می‌شود. در این شهر، رمزگردانی موقعیتی نیز رخ می‌دهد؛ مثلاً معلم برای تدریس، زبان بوکمال و برای توضیح دادن بیشتر دربارهٔ مطالب، زبان بومی رانمال را به کار می‌گیرد. در این حالت، موضوع تغییر نمی‌کند و علت رمزگردانی، وضعیت رسمی، و الزام‌ها و قوانین اجتماعی است که طبق آن‌ها، برای نوشتن مقاله باید از زبان رسمی استفاده شود. انتخاب نوع رمزگان در این حالت، وابسته به هنجارهای اجتماعی است (واردوف، ۱۹۹۲: ۱۰۵؛ هادسون، ۱۹۸۰: ۵۶؛ بلوم و گومپرز^۱، ۲۰۰۹: ۵۸).

رمزآمیختگی، پدیدهٔ رایج دیگر در جامعه‌های چندزبانه است و زمانی رخ می‌دهد که سخن‌گویان هنگام گفتگو، از دو زبان استفاده کنند؛ تا آنجا که حتی در طول پاره‌گفتی واحد، از یک زبان به زبان دیگر تغییر رمزگان می‌دهند؛ یعنی برای بیان یک پاره‌گفت، دو زبان متفاوت را با هم تلفیق می‌کنند. در اینجا، نمونه‌ای از این مورد را مشاهده می‌کنیم که در آن، ترکیب رمزگان‌های دو زبان انگلیسی و اسپانیایی، مشهود است (واردوف، ۱۹۹۲: ۱۰۶):

1. No van a bring it up in the meeting

آن‌ها قصد ندارند این مسئله را در جلسه مطرح کنند.

همان‌گونه که در این نمونه می‌بینیم، در یک جمله، دو زبان انگلیسی و اسپانیایی با هم آمیخته‌اند.

۲. رمزگردانی، بافت و شناخت

همان‌گونه که گفتیم، رمزگردانی موقعیتی، به تغییر بافت و الزام‌های اجتماعی، مربوط است؛ اما بافت را نباید صرفاً پدیده‌ای عینی در نظر گرفت و با موقعیت عینی و بلافصل کلام، یکسان انگاشت. می‌توان بافت را پدیده‌ای ذهنی و شناختی به‌شمار آورد که به متن و

1. Jan-Petter Blom and John Gumperz

گفتمان، معنای نهایی می‌دهد. ذهنی شدن بافت، در واقع، همسویی با این ایده شناختی است که بر اساس آن، شناخت، حلقه واسطه‌ای میان زبان و موقعیت عینی قلمداد می‌شود (براون و یول^۱، ۱۹۸۳: ۲۳۲؛ گیر آرت، کریستین سن و پیرسمن^۲، ۲۰۱۰؛ کریستینس و دریون^۳، ۲۰۰۸). بافت ذهنی باعنوان‌هایی همچون ساختار طرحواره‌ای^۴، الگوی بافتی^۵ و چهارچوب ذهنی^۶ درباره زبان مطرح می‌شود (ویدوسون^۷، ۲۰۰۷: ۲۷؛ ون‌دایک^۸، ۲۰۰۱). در این پژوهش، منظور از چهارچوب ذهنی، ساختار با محتوای دانش، عقاید، شیوه و نظم کنش-ها، و... است که به تجربه‌ها و کنش‌های کلامی معنا می‌دهد. بدون حضور چهارچوب‌های ذهنی، عبارت‌های زبانی، معنایی ندارند؛ زیرا آن‌ها معنای خود را از چهارچوب‌های ذهنی می‌گیرند. چهارچوب ذهنی، محتواهایی متنوع دارد و مثلاً ممکن است بیانگر توالی‌ای خاص از رخدادها و ویژگی‌های فیزیکی و تصویری باشد (فیلمور و کالین^۹، ۲۰۰۹: ۳۱۴). چهارچوب ذهنی در فرایند تفسیر و تولید گفتمان، نقشی حیاتی ایفا می‌کند (فیلمور و کالین: ۳۱۵). دیوید لی^{۱۰} (۲۰۰۱: ۳ تا ۱۷۲) درباره رابطه گفتمان و چهارچوب ذهنی، معتقد است درک و تولید هر مکالمه‌ای، مسبوق به اشتراک چهارچوب‌های ذهنی به‌مثابه بافت ذهنی است و بروز سوء تفاهم و مجادله در مکالمه‌ها بیشتر به دلیل اختلاف محتوای چهارچوب‌های ذهنی در ذهن مشارکان در کلام صورت می‌گیرد. برای تحلیل هر گونه مکالمه در بافت‌های ارتباطی باید به چهارچوب‌هایی ذهنی توجه کنیم که تعیین‌کننده تولید و تفسیر مکالمه‌اند. در این جستار، مفهوم چهارچوب ذهنی را عبارت از بافت ذهنی در نظر گرفته و به این شیوه کوشیده‌ایم مفهوم رمزگردانی در این کلاس‌ها را تبیین کنیم. می‌توان رمزگردانی موقعیتی و استعاری را که به ترتیب، محصول تغییر بافت و تغییر موضوع‌اند، محصول تغییر چهارچوب‌های ذهنی دانست. در این حالت، در رمزگردانی

-
1. Gillian Brown and George Yule
 2. Dirk Geeraert, Gitte Kristiansen and Yves Peirsmen
 3. Gitte Kristiansen and Rene Driven
 4. Schematic Structures
 5. Contextual Model
 6. Frame
 7. H. G. Widdowson
 8. Teunen A. Van Dijk
 9. Charles J. Fillmore and Collin Baker
 10. David Lee

موقعیتی، چهارچوب‌های ذهنی‌ای دگرگون می‌شوند که موقعیت‌ها و الزام‌های اجتماعی‌ای خاص را بازنمایی می‌کنند و در رمزگردانی استعاری نیز چهارچوب‌های ذهنی‌ای تغییر می‌کنند که حاوی موضوعات و محتواهای متفاوت‌اند.

۳. موقعیت چندزبانه شهر بوکان

شهر موردنظر ما در این پژوهش، یکی از شهرهای کردنشین با جمعیت تقریباً سی صد هزار نفر است که در جنوب استان آذربایجان غربی، در شمال غرب ایران قرار گرفته و گویش رایج در آنجا، کردی سورانی است. گویش کردی سورانی، از خانواده زبان‌های کردی، با گویش‌های اصلی سورانی، کرمانجی، هورامی و کلهری است که به لحاظ دستوری، واژگانی و آوایی، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با هم دارند؛ اما به علت دارا بودن ریشه مشترک تاریخی، پیوند نژادی و شباهت‌های فراوان، همگی با عنوان زبان کردی شناخته می‌شوند و در ایران، ترکیه، عراق، ارمنستان و سوریه، با استفاده از آن‌ها سخن گفته می‌شود (ابوالقاسمی، ۱۳۸۴: ۲۵۹). زبان بیشتر کارمندان دولت و از جمله معلمان شهر بوکان، کردی است و البته کارمندان ترک‌زبان نیز در برخی اداره‌ها فعالیت می‌کنند. امور اداری و آموزشی در این شهر، با استفاده از زبان‌های کردی و فارسی انجام می‌شود و همه نامه‌های رسمی و اداری به زبان فارسی نوشته می‌شوند؛ اما به علت هم‌جواری بوکان با شهرهای ترک‌نشین و حضور تعدادی کارمند ترک‌زبان در این شهر، برخی مردم برای انجام دادن کارهای شخصی‌شان، از زبان ترکی نیز استفاده می‌کنند؛ همچنین تعدادی درخور توجه از ترک‌زبانان این منطقه که در همسایگی کردها به سر می‌برند، با زبان کردی، کاملاً آشنا هستند و در صورت لزوم، از آن استفاده می‌کنند. در کل، شهر بوکان، چهره‌ای چندفرهنگی دارد و در آنجا، زبان فارسی، زبان علم و آموزش و نیز زبان میانجی برای برقراری رابطه با غریبه‌ها و غیرکردزبانان است. این وضعیت را می‌توان به بهترین صورت، در وضعیت ارتباطی حاکم در کلاس‌های آموزش زبان انگلیسی در بوکان مشاهده کرد. در این کلاس‌ها، از سه زبان انگلیسی، فارسی و کردی استفاده می‌شود. معلمان ترک‌زبان در این کلاس‌ها، فقط به زبان فارسی سخن می‌گویند و زبان ترکی را به عنوان یکی دیگر از

گویش‌های موجود برای رمزگردانی به کار نمی‌گیرند؛ اما معلمان بومی کردزبان، کلاس‌های زبان انگلیسی را با استفاده از زبان کردی برگزار می‌کنند و در کل، فضای کلاس‌ها بیشتر تحت تأثیر زبان کردی است و احوال‌پرسی، خداحافظی، تشبیه و تشویق، توصیه‌ها و دستوره‌های معلم به زبان کردی بیان می‌شود. برای توضیح دادن مطالب کتاب، از زبان کردی استفاده می‌شود؛ اما ترجمه متون، ذکر معنای واژه‌ها، برگزاری امتحانات، و نوشتن جزوه و یادداشت نکته‌های دستوری، به زبان فارسی انجام می‌شود. معلم، مسائل دستوری را به زبان کردی توضیح می‌دهد و هنگام نوشتن، آن‌ها را به زبان فارسی بیان می‌کند. در این کلاس‌ها، زبان فارسی برای نوشتن مطالب، برگزاری امتحانات و ترجمه، و زبان کردی برای توضیح و تفهیم درس و نیز اموری همچون تشویق و تهدید به کار می‌رود. در این تحقیق، صرفاً موقعیت‌های آموزش رسمی را با تمرکز بر کلاس‌های آموزشی زبان انگلیسی بررسی کرده‌ایم؛ البته پدیده رمزگردانی و دیگر پدیده‌های مرتبط با آن، در کلاس‌های درسی دیگر نیز مشهودند؛ ولی در پژوهش حاضر، به این دلیل، کلاس‌های آموزش زبان انگلیسی را انتخاب کرده‌ایم که در آن‌ها، از سه زبان انگلیسی، کردی و فارسی، به صورت هم‌زمان استفاده می‌شود و از این جهت، این کلاس‌ها نمونه‌ای جالب برای تحقیق درباره رمزگردانی‌اند.

۴. داده‌های تحقیق و شیوه گردآوری آن‌ها

در این تحقیق، گفتگوهای بین معلم و دانش‌آموزان پسر در سه کلاس از مقطع اول دبیرستان و چهار کلاس از مقطع اول راهنمایی را ضبط کرده‌ایم. در هر کلاس، پس از هماهنگی با معلم، یک دستگاه ضبط صوت قرار دادیم؛ اما برای اینکه مکالمه‌ها و رمزگردانی‌ها طبیعی‌تر باشند، ترجیح دادیم افراد از موضوع تحقیق و اهداف آن، اطلاع دقیق نداشته باشند. تعداد دانش‌آموزان هر کلاس به صورت میانگین، ۳۷ نفر و مدت‌زمان تشکیل شدن هر کلاس درس، یک و نیم ساعت، و مدت‌زمان کل صداهای ضبط‌شده، ده و نیم ساعت بود. نخست، مکالمات ضبط‌شده را آوانگاری و سپس پدیده‌های مرتبط با رمزگردانی و رمزآمیختگی در آن‌ها را مشخص و تحلیل کردیم. در این بررسی، انواع

موضوعات مانند شوخی، تهدید، پرسش و ترجمه که رمزگردانی استعاری درباره آن‌ها صورت گرفته، تفکیک شده‌اند و همچنین مواردی مانند ترجمه، توضیح، نوشتن نکته‌های دستوری و.. که رمزگردانی موقعیتی در آن‌ها رخ می‌داد، مشخص شده‌اند. ابزارهای مورد استفاده برای تحلیل داده‌ها همان تعاریف و تقسیم‌بندی‌های مرسوم است که در مقدمه پژوهش، درباره آن‌ها سخن گفتیم. در این تحقیق، گفته‌های معلم را با حرف (م) و گفته‌های دانش‌آموزان را با حرف (د) مشخص کرده‌ایم؛ همچنین برای نشان دادن توالی زبان‌ها در موقعیت‌های رمزگردانی و رمز آمیختگی، هر سه زبان را با استفاده از حروف لاتین نشان داده و ترجمه فارسی پاره‌گفت‌ها را پایین آن‌ها آورده‌ایم.

۵. رمزگردانی و رمز آمیختگی در کلاس‌های انگلیسی شهر بوکان

دو فرایند مورد بحث، بدین شکل‌ها در کلاس‌های انگلیسی این شهر صورت می‌گیرند:

۵-۱. رمزگردانی موقعیتی و استعاری

در بخش‌های قبل، درباره دو نوع رمزگردانی موقعیتی و استعاری سخن گفتیم. رمزگردانی موقعیتی، متأثر از موقعیت، قوانین و الزام‌های اجتماعی است و رمزگردانی استعاری به دلیل تغییر در موضوع روی می‌دهد. این دو پدیده را در کلاس‌های مورد بحث باید در حوزه‌های بافت، الزام‌های اجتماعی و موضوعات مطرح شده در کلاس بررسی کرد. موقعیت فیزیکی و بافت عینی این کلاس‌ها از شروع تا پایان آن‌ها ثابت است و تغییری در آن‌ها دیده نمی‌شود؛ همچنین روابط معلم و شاگردان نیز تا پایان جلسه، تقریباً یکسان باقی می‌ماند. در پی مطالعه داده‌ها دریافتیم در سه موقعیت ارتباطی بین سه زبان فارسی، کردی و انگلیسی بدین شرح، رمزگردانی اتفاق می‌افتد: ترجمه و توضیح درس، نوشتن نکته‌های دستوری، و سؤال و جواب. معلم هنگام ترجمه متون انگلیسی و برای توضیح دادن آن‌ها یا بیان نکته‌های دستوری و یا هنگام سؤال و جواب رمزگردانی می‌کند. در اینجا، مثال‌هایی از این سه موقعیت ارتباطی را ذکر می‌کنیم:

- معلم در حال خواندن یک متن انگلیسی است؛ بعد از روخوانی، آن متن را به فارسی ترجمه می‌کند و سپس آن را به زبان کردی توضیح می‌دهد:

2. م: the boy who made steam work, pesari ke niruye boxâr rā be kârbörd

انگلیسی

فارسی

bö ?away ka tarjomakay jwän be niruy pë ?izâfa dakayn.

کردی

{پسری که نیروی بخار را به کار برد (فارسی). برای اینکه ترجمه خوب شود، «نیرو» را به آن اضافه می‌کنیم (کردی)}.

3. م: Many years ago there was a boy who lived with his grandmother

انگلیسی

xëyli sâlhâ piş pesari bud ke bā mādarbözörgaş zendegi mikard.

فارسی

tjonka kōraka mözakkaru mofrada, la (his) ?istifādamān kƏrdüwa¹.

کردی

{خیلی سال‌ها پیش، پسری بود که با مادر بزرگش زندگی می‌کرد (فارسی). چون پسر، مفرد و مذکر است، از his استفاده کردیم (کردی)}.

در الگوی بالا، معلم به صورت متناوب، از سه زبان، برای موارد خاص استفاده کرده است. جمله‌های انگلیسی، محتویات کتاب‌اند، جمله‌های فارسی، ترجمه معلم و جمله‌های کردی نیز توضیحات او برای ترجمه‌اند. همان گونه که می‌بینیم، رمزگردانی به فارسی، برای ترجمه و رمزگردانی به کردی، برای توضیح متن صورت گرفته است.

موقعیت ارتباطی دوم که در آن، رمزگردانی اتفاق می‌افتد، بیان نکته‌های دستوری از سوی معلم است. در این موقعیت، معلم نکته‌های دستوری کتاب را به زبان فارسی بیان

۱. در این جمله، کلمه‌های «مفرد» و «مذکر» اصالتاً کردی نیستند؛ اما چون صورت تلفظشان تغییر کرده است و با تبعیت از نظام آوایی کردی تلفظ شده‌اند، آن‌ها را کلمه‌های کردی محسوب کرده‌ایم.

می‌کند و دانش‌آموزان نیز آن‌ها را به فارسی می‌نویسند؛ اما معلم برای شفاف‌تر کردن نکته‌ها، آن‌ها را به‌زبان کردی توضیح می‌دهد. مورد زیر، نمونه‌ای از این پدیده است:

معلم در حال تشریح ضمائر موصولی در زبان انگلیسی است. او نخست، این مبحث را به‌زبان کردی توضیح می‌دهد؛ سپس برای اینکه دانش‌آموزان، نکته موردنظر را در جزوه-هایشان یادداشت کنند، آن را به‌زبان فارسی بیان می‌کند و آن‌گاه دوباره آن را به‌زبان کردی توضیح می‌دهد:

4. ʔagar la ʔawwafi jomlada bêt ba mănây ʔamaya, ʔema datwânin noktayak law bârawa bËnusin. کردی

(اگر در اول جمله بیاید، به این معناست. ما می‌توانیم نکته‌ای را در این مورد بنویسیم).

سپس معلم رمزگان را تغییر می‌دهد و همین نکته را به‌زبان فارسی بیان می‌کند:

5. hargâh ʔin kalamê dar ʔebtedâye jomle qharâr girad naqhê harfê rabti dârad... (فارسی)

(هرگاه این کلمه در ابتدای جمله قرار گیرد، نقش حرف ربطی دارد).

سپس دوباره همان نکته را به‌زبان کردی توضیح می‌دهد:

6. ʔagar la awwafi jomla bêt nâqhê.

کردی

(پس اگر در اول جمله باشد...).

همان‌گونه که در الگوی بالا می‌بینیم، معلم، نخست، از زبان کردی برای توضیح دادن نکته دستوری استفاده می‌کند؛ اما به‌محض اینکه نوبت به نوشتن نکته دستوری از سوی دانش‌آموزان می‌رسد، وی نکته را به‌زبان فارسی بیان می‌کند و بعد از نگارش آن نکته از سوی دانش‌آموزان، او دوباره آن را به‌زبان کردی توضیح می‌دهد. در این فرایند، رمزگردانی از کردی به فارسی برای نوشتن نکته‌های مهم درس و سپس رمزگردانی از فارسی به کردی برای توضیح دادن نکته‌های مهم صورت می‌گیرد.

سومین موقعیتی که در آن، رمزگردانی رخ می‌دهد، زمان پرسش و پاسخ بین معلم و دانش‌آموزان است. در این هنگام، معلم به‌زبان کردی، از دانش‌آموزان سؤال می‌کند و آنان نیز با استفاده از همین زبان، آمادگی خود را برای پاسخ‌گویی اعلام می‌کنند؛ اما برای

پاسخ‌دادن به سؤال موردنظر، از زبان فارسی استفاده می‌کنند. این پرسش و پاسخ بین معلم و دانش‌آموزان، حاوی رمزگردانی‌ای است که در اینجا، نمونه‌هایی از آن را نشان می‌دهیم. همان‌گونه که در جمله‌های زیر می‌بینیم، معلم درباره ترجمه یک جمله، از دانش‌آموزان سؤال می‌کند؛ سپس یک دانش‌آموز، نخست، به زبان کردی، آمادگی خود را برای پاسخ‌گویی بیان می‌کند و آن‌گاه جمله را به زبان انگلیسی می‌خواند و به فارسی ترجمه می‌کند:

7. ṭgâ mōn bixwenmawa. د-الف

کردی

(آقا من بخوانم؟)

7. to bixwenawa. م-ب

کردی

(تو بخوان)

7. I am a student, man yek dāneš ṭamuz hastam. د-ج

انگلیسی

فارسی

(من یک دانش‌آموز هستم).

در مثال زیر نیز سؤال معلم به زبان کردی است و دانش‌آموز جمله انگلیسی را به فارسی ترجمه می‌کند:

8. jomlay baṭdi šamsaddin bixwenawa. م-الف

کردی

(جمله بعدی را شمس‌الدین بخواند)

8. when water is hot watch your hand, it may burn your hand د-ب

انگلیسی

movāzeb baš momken ṭæst dastat besuzad ṭab dar hāle jušidan ṭæst.

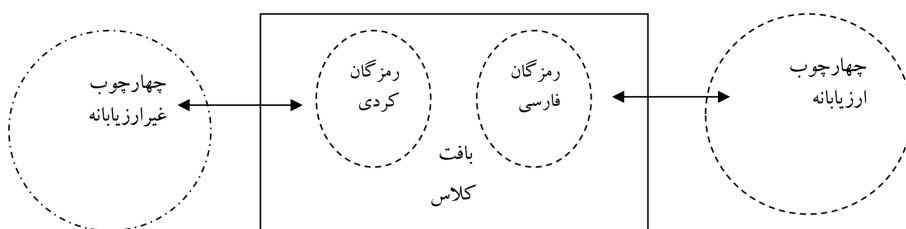
فارسی

(زمانی که آب، داغ است، مواظب باش! ممکن است دستت بسوزد! آب در حال جوشیدن است).

در مثال‌های بالا، رابطه کلامی مبتنی بر پرسش و پاسخ، بین معلم و دانش‌آموز دیده می‌شود. پرسش و درخواست با استفاده از رمزگان کردی انجام می‌شود و دانش‌آموز به زبان فارسی پاسخ می‌دهد. در اینجا، رمزگردانی از کردی به فارسی، برای پاسخ‌دادن به سؤال‌های کتاب صورت می‌گیرد.

در سه الگوی متفاوت بالا، موضوع بحث تغییری نمی‌کند؛ یعنی در هر سه حالت، موضوع گفتگو، مسائلی درباره زبان انگلیسی است. همان‌گونه که پیشتر گفتیم، رمزگردانی استعاری، معلول تغییر موضوع بحث است؛ پس نخستین نتیجه تحلیل این سه الگوی متفاوت، آن است که هیچ‌کدام از آن‌ها مصداق رمزگردانی استعاری نیستند. درباره رمزگردانی موقعیتی نیز گفتیم که ممکن است الزام‌های اجتماعی و یا تغییر بافت، عامل رمزگردانی باشد. مسئله مشهود در این سه موقعیت ارتباطی، آن است که بافت فیزیکی نیز تغییر نمی‌کند و بدین ترتیب باید دید چه عاملی باعث رمزگردانی می‌شود. برای روشن کردن این ابهام باید نخست، نظام آموزشی و نیز شیوه‌های ارزیابی و امتحانات در ایران را بررسی کنیم. دانش‌آموزان ایرانی در پایان دوره‌های آموزشی خود باید برای کسب امتیاز کافی به منظور اتمام دوره، در امتحانات شرکت کنند. براساس قوانین آموزشی و الزام‌های اجتماعی، این امتحانات به زبان فارسی برگزار می‌شوند و حتی ارزیابی‌های غیررسمی معلم در طول نیم‌سال نیز باید به زبان فارسی صورت گیرد. دانش‌آموزان باید بتوانند متن‌های انگلیسی را به فارسی ترجمه و نکته‌های دستوری را به زبان فارسی بیان کنند؛ از این روی، معلم، ناگزیر است متن‌ها و نکته‌های دستوری را به زبان فارسی بیان کند تا دانش‌آموزان بتوانند به سؤال‌های مربوط به آن‌ها در امتحانات پاسخ گویند؛ اما مسئله مهم، این است که چرا معلم برای توضیح‌دادن کلمه‌های متن و یا نکته‌های دستوری، از زبان کردی استفاده می‌کند. از نظر معلم، یادداشت کردن توضیحات اضافی، ضرورتی ندارد؛ زیرا دانش‌آموزان، نکته‌های مهم را یادداشت کرده‌اند و بیان این نکته‌های تکراری، حشو و مبسوط در امتحانات، ضرورتی ندارد. گویی معلم وقتی نکته‌های دستوری و ترجمه متن را به فارسی بیان می‌کند، به بافت و الزام‌های اجتماعی در فضای امتحانات توجه می‌کند؛ اما زمانی که توضیحاتش را به زبان کردی بیان می‌کند، فضای امتحانات و الزام‌های

اجتماعی در ذهنش فعال نیست. معلم و دانش‌آموزان در کلاس، چهارچوب‌هایی ذهنی از بافت امتحانات و الزام‌های اجتماعی دارند. در پی فعال‌شدن این چهارچوب‌ها از بافت امتحانات، رمزگان فارسی فعال می‌شود و وقتی این چهارچوب ذهنی، فعال نباشد، معلم توضیحاتش را به زبان کردی بیان می‌کند. اگر چهارچوب ذهنی نشان‌دهنده الزام‌های آموزشی، بافت امتحانات و قوانین ارزیابی را چهارچوب ذهنی ارزیابانه بنامیم و چهارچوب‌های ذهنی‌ای را که نشانگر این محیط‌های ارزیابانه نباشند، چهارچوب‌های غیرارزیابانه قلمداد کنیم، می‌توان گفت رمزگان فارسی در پی فعال‌شدن چهارچوب ذهنی ارزیابانه و رمزگان کردی در پی فعال‌شدن چهارچوب‌های غیرارزیابانه، فعال می‌شود؛ بدین ترتیب، چون رمزگردانی‌های بالا به دلیل عاملیت بافت‌های ذهنی و تصور ذهنی افراد از الزام‌های اجتماعی صورت می‌گیرند، می‌توان سه الگوی موردبحث را از مصداق‌های رمزگردانی موقعیتی دانست؛ بر این اساس، رمزگردانی موقعیتی در این کلاس‌ها، محصول تغییر چهارچوب‌های ذهنی و به دنبال آن، تغییر رمزگان‌های وابسته به آن‌هاست. چهارچوب‌های ذهنی در این مورد، حاوی اطلاعاتی درباره بافت و الزام‌های اجتماعی‌اند و دگرگونی چهارچوب‌های ذهنی ناظر به الزام‌های اجتماعی، سبب رمزگردانی موقعیتی می‌شود؛ بر این اساس می‌توان نموداری را درباره رمزگردانی موقعیتی، بدین صورت ترسیم کرد:



شکل ۱. رمزگردانی موقعیتی

در مواردی خاص، رمزگردانی استعاری نیز اتفاق می‌افتد که در ادامه، به آن خواهیم پرداخت. علاوه بر موارد یادشده می‌توان چند موقعیت ارتباطی دیگر در این کلاس‌ها را نیز

ذکر کرد که در آن‌ها، بین سه زبان فارسی، کردی و انگلیسی، رمزگردانی اتفاق می‌افتد. تفاوت این موقعیت‌های خاص با موارد قبلی، آن است که این گونه رمزگردانی‌ها به سبب تغییر در موضوع اتفاق می‌افتند. در کلاس‌های آموزش انگلیسی در مناطق کردنشین، به ندرت موضوع عوض می‌شود؛ زیرا موضوع درس (زبان انگلیسی) در طول زمان برگزاری کلاس، ثابت می‌ماند؛ اما در صورت تغییر موضوع، رمزگردانی در این کلاس‌ها روی می‌دهد؛ البته برخی موضوعات در این کلاس‌ها منحصر به زبان کردی‌اند و حتی بیان این موضوعات هنگام سخن گفتن به انگلیسی یا فارسی، تنها رمزگان کردی را فعال می‌کند. معلم هنگام صحبت کردن با استفاده از هر رمزگانی، برای بیان این موضوعات ویژه، به زبان کردی رمزگردانی می‌کند و موضوعاتی همچون تهدید، شوخی، احوال‌پرسی و خداحافظی، فقط به زبان کردی بیان می‌شوند. در اینجا، نمونه‌هایی از این موارد را نشان می‌دهیم:

در جمله‌های زیر، وقتی معلم مشغول ترجمه متن انگلیسی به فارسی است، از بی‌توجهی یکی از دانش‌آموزان، آگاه می‌شود و از طریق رمزگردانی از فارسی به کردی، او را تهدید می‌کند. در این موقعیت، سه جمله پایین، به صورت متوالی بیان می‌شوند:

9. الف -م: he asked why does the fire burn? tʃerä ʔâtaš misuzad mädarbozorg. انگلیسی

فارسی

(چرا آتش می‌سوزد مادر بزرگ؟)

9. ب -م: ğoy bƏgra ʔağa, ʔawa xariki tʃit?

کردی

(گوش بده آقا! داری چه کار می‌کنی؟)

9. ج -م: pem xoš nya kas la wətāqh darkam.

کردی

(دوست ندارم کسی را از اتاق بیرون کنم).

همان گونه که در موارد بالا می‌بینیم، رمزگردانی از فارسی به کردی به دلیل تغییر در موضوع، مثل تغییر از موضوع درس به تهدید و تنبیه است. این موضوع خاص، فقط به زبان کردی بیان می‌شود و از این روی، رمزگردانی، ضرورت دارد. یکی دیگر از موضوعاتی که باعث رمزگردانی می‌شود، شوخی و بذله‌گویی است که در اینجا، نمونه‌ای از آن را می‌بینیم. در جمله‌های زیر، وقتی معلم در حال ترجمه جمله انگلیسی به فارسی است، دانش‌آموز با یافتن نکته‌ای خنده‌دار در آن جمله، به شوخی جمله‌ای را به کردی بیان می‌کند:

10. الف : the kettle sings ketri šoru bē ?vāz xāndan kard.

فارسی
انگلیسی
(کتری شروع به آواز خواندن کرد).

10. ب : ?âğâ magar xānandaya?

کردی

(آقا مگر خواننده‌ست؟)

علاوه بر شوخی و بذله، احوال‌پرسی و خداحافظی نیز از موضوعاتی هستند که فقط با استفاده از زبان کردی بیان می‌شوند. جمله‌های پایین به ترتیب، احوال‌پرسی و خداحافظی معلم را نشان می‌دهند:

11. م : banëwi xödä, bâšən korakän?

کردی

(به نام خدا. بچه‌ها خوبید؟)

12. م : hamutän ba xödä daspërm

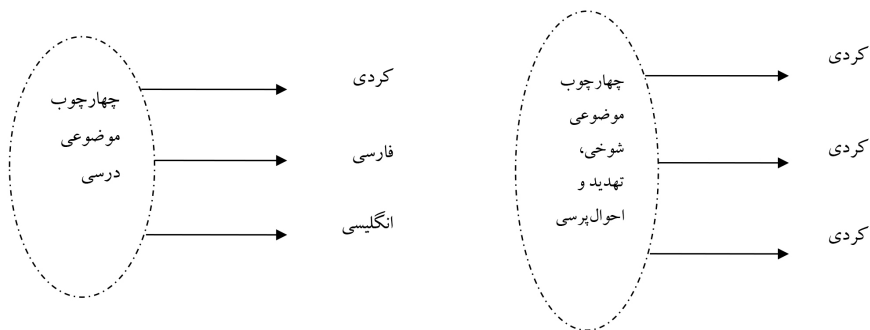
کردی

(همه شما را به خدا می‌سپارم!)

موضوعات خاص مثل شوخی، احوال‌پرسی، تهدید و تنبیه، فرمان‌دادن، توصیه‌ها و تعیین برنامه‌های کلاسی برای جلسه‌های آینده، صرفاً به زبان کردی بیان می‌شوند و بدین

ترتیب، هر گاه یکی از این موضوعات بیان می‌شود، رمزگردانی از انگلیسی و فارسی به کردی صورت می‌گیرد. این گونه رمزگردانی، از نوع استعاری است.

بررسی داده‌های یادشده نشان می‌دهد در رمزگردانی استعاری، موضوعات تعیین می‌کنند از چه رمزگان خاصی استفاده شود. اگر موضوعات را اجزای معنایی درون چهارچوب‌های ذهنی خاص در نظر بگیریم، درمی‌یابیم فعال‌شدن هرگونه چهارچوب موضوعی در بافت کلاس، زبانمندان را به انتخاب رمزگانی خاص سوق می‌دهد؛ مثلاً در پی فعال‌شدن چهارچوب‌های موضوعی‌ای خاص مانند تهدید یا شوخی، رمزگان کردی فعال می‌شود و زبانمندان از آن استفاده می‌کنند. همان‌گونه که در داده‌ها مشاهده کردیم، معلم هنگام صحبت کردن به زبان فارسی، برای هشدار دادن به دانش‌آموز بی‌دقت، رمزگردانی می‌کند و با استفاده از رمزگان کردی سخن می‌گوید؛ پس فعال‌شدن چهارچوب‌های موضوعی‌ای خاص همچون احوال‌پرسی، تهدید، شوخی، امر و نهی، باعث فعال‌شدن رمزگان کردی می‌شود؛ اما فعال‌شدن چهارچوب‌های موضوعی مربوط به درس در کلاس می‌تواند هر سه رمزگان را فعال کند؛ یعنی معلم می‌تواند برای ترجمه، از زبان فارسی و برای توضیح دادن مطالب، از زبان کردی استفاده کند. به‌طور خلاصه می‌توان گفت هر چهارچوب موضوعی، وابسته به رمزگانی خاص است و بر این اساس، رمزگردانی استعاری به دلیل دگرگونی چهارچوب‌های موضوعی و به‌دنبال آن، تغییر رمزگان‌های مربوط به آن شکل می‌گیرد. در نمودار زیر، این پدیده را نشان داده‌ایم:



شکل ۲. رمزگردانی استعاری

بدین ترتیب، در کلاس‌های آموزش زبان انگلیسی در شهرستان بوکان، هر دو نوع رمزگردانی موقعیتی و استعاری روی می‌دهند. بررسی این دو نوع رمزگردانی نشان می‌دهد در هر دو حالت، چهارچوب‌های ذهنی موجود در ذهن افراد، عامل رمزگردانی‌اند. در رمزگردانی موقعیتی، چهارچوب‌های ذهنی، شامل اطلاعاتی درباره الزام‌ها، قوانین اجتماعی و رمزگان متناسب با آن‌هاست و در رمزگردانی استعاری، چهارچوب‌های ذهنی، موضوعات و رمزگان‌های متناسب با آن‌ها را دربر می‌گیرند.

۲-۵. رمزآمیختگی در کلاس‌های درس زبان انگلیسی

همان‌گونه که در بخش‌های قبل گفتیم، در فرایند رمزآمیختگی، زبانمندان در طول یک پاره‌گفتار، به صورت هم‌زمان، از دو زبان استفاده می‌کنند و به عبارت دیگر، پاره‌گفتارها شامل عناصری از هر دو زبان است. مواردی متعدد از این پدیده را می‌توان در کلاس‌های آموزش زبان در مناطق کردنشین یافت. در مثال‌های قبل که مصداق رمزگردانی بودند، زبانمندان پس از پایان یافتن یک پاره‌گفتار یا جمله رمزگردانی می‌کردند؛ اما در موقعیت ارتباطی خاص در این کلاس‌ها، رمزگردانی در میان جمله صورت می‌گیرد و گاه یک جمله، حاوی عناصری از هر سه زبان فارسی، کردی و انگلیسی است. این موقعیت ارتباطی، به پدیده توضیح دادن نکته‌های دستوری و متن‌های ترجمه‌شده، مربوط است. وقتی معلم کلمه‌های انگلیسی را می‌خواند و معنایشان را توضیح می‌دهد یا زمانی که یک نکته دستوری را شرح می‌دهد، هم‌زمان، از دو زبان کردی و فارسی استفاده می‌کند. در اینجا، نمونه‌هایی از این موقعیت را ذکر می‌کنیم:

معلم، نخست، جمله انگلیسی را کلمه‌به‌کلمه می‌خواند و هر واژه را به زبان کردی توضیح می‌دهد؛ اما در همین هنگام، معنای واژه‌ها را به فارسی بیان می‌کند. در نمونه زیر، قبل از تمام شدن جمله، سه زبان انگلیسی، فارسی و کردی به کار می‌رود:

13. م. xeylî sãlhã piş there was gozaştay there is tşonka

کردی انگلیسی کردی انگلیسی فارسی

Who yãni ?ensãn hãtua manyakay dabêta ke.

فارسی کردی کردی فارسی

{خیلی سال‌ها پیش (فارسی) وجود داشت (انگلیسی) که گذشته (کردی) وجود دارد است (انگلیسی)؛ چون (کردی) (who) به معنی (کردی) انسان (فارسی) است (کردی)، معنی آن می‌شود (کردی): که (فارسی) }.

در جمله زیر نیز معلم درصدد توضیح دادن کلمه‌های متضاد است. در این حالت، کلمه را به زبان انگلیسی می‌خواند و هم‌زمان، آن را به کردی توضیح می‌دهد؛ ولی در همین هنگام، با استفاده از رمزگان کردی، برای معنا کردن واژه‌ها از رمزگان فارسی نیز استفاده می‌کند:

14. م. wrong lagaŀ right motazädda. right yäni dorost.¹

فارسی کردی انگلیسی کردی انگلیسی کردی انگلیسی

{wrong متضاد (کردی) right است. right یعنی (کردی) درست (فارسی)}.

در نمونه‌های بالا، معنای کلمه‌های انگلیسی، هم‌زمان با استفاده از کلمه‌های کردی و فارسی بیان می‌شود. بیشتر کلمه‌های کردی به کاررفته در این موقعیت، فعل‌های ربطی و حروف اضافه‌اند که همراه با کلمه‌های انگلیسی و فارسی استفاده می‌شوند. در مثال‌های بالا، جمله‌ای واحد، شامل کلمه‌هایی از هر سه زبان است و این موارد، مصداق‌های رمزآمیختگی‌اند. در این کلاس‌ها، رمزآمیختگی معمولاً زمانی رخ می‌دهد که معلم، مشغول توضیح دادن ترجمه فارسی جمله‌های انگلیسی یا بیان معنای واژه‌ها و توضیح دادن نکته‌های دستوری با استفاده از زبان کردی است. در این حالت، توضیحات معلم نوشته نمی‌شود و به علت توضیح دادن هم‌زمان متن انگلیسی و ترجمه فارسی به وسیله زبان کردی، این هر سه زبان، ناخودآگاه در هم می‌آمیزند.

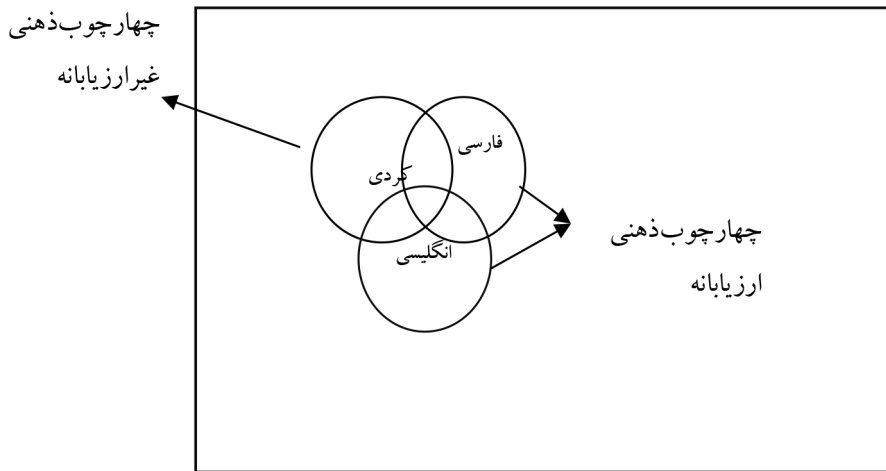
در بخش قبل، مفهوم چهارچوب ذهنی و ارتباط آن با رمزگان‌های خاص را معرفی کردیم و نشان دادیم در پدیده رمزگردانی، زبان فارسی به یک چهارچوب ذهنی خاص و رمزگان کردی نیز به چهارچوب ذهنی‌ای دیگر وابسته است. در پی فعال شدن هر کدام از

۱. واژه «متضاد» نیز اصالتاً کردی نیست؛ اما چون در اینجا، به تبعیت از نظام آوایی کردی تلفظ شده است، آن را در زمره رمزگان کردی قرار داده‌ایم.

این چهارچوب‌ها در بافت کلاس، رمزگان وابسته به آن نیز فعال می‌شود و تغییر چهارچوب ذهنی، باعث رمزگردانی می‌شود. در رمزگردانی موقعیتی، چهارچوب‌ها از هم جدا بودند و بدین سبب، رمزگان‌ها نیز از هم تفکیک شده بودند؛ به همین دلیل، دو چهارچوب و دو رمزگان را به صورت دو نمودار جدا از هم ترسیم کرده‌ایم؛ اما در مثال‌های بالا که بیشتر شامل توضیح نکته‌های دستوری‌اند، سه زبان با هم آمیخته‌اند. در فرایند رمزآمیختگی، برخلاف رمزگردانی، رمزگان‌ها و چهارچوب‌های ذهنی، کاملاً از هم جدا نیستند؛ بلکه با یکدیگر آمیخته می‌شوند. در جمله‌های رمزآمیخته، واژه‌های انگلیسی، متعلق به کتاب و واژه‌های فارسی نیز متعلق به ترجمه متن‌اند و عناصر ارتباطی مثل فعل و حرف اضافه نیز به زبان کردی تعلق دارند. معلم برای توضیح دادن نکته‌های دستوری و ترجمه‌های نوشته شده به زبان‌های انگلیسی و فارسی، از رمزگان زبان کردی استفاده می‌کند و این مسئله، باعث پدید آمدن چنین ساختار آمیخته‌ای می‌شود.

حال، این سؤال مطرح می‌شود که چگونه می‌توان این پدیده را هماهنگ با مباحث قبل تبیین کرد. اگر دو چهارچوب ذهنی ارزیابانه و غیرارزیابانه، و رمزگان‌های مربوط به آن‌ها را در نظر بگیریم، می‌توان گفت در اینجا، هر دو چهارچوب ذهنی، هم‌زمان به صورت ناقص، فعال‌اند و به همین دلیل، رمزگان‌های مربوط به آن‌ها نیز به شکل هم‌زمان استفاده می‌شوند. ساختار جمله‌هایی که در نهایت، طی فرایند رمزآمیختگی پدید می‌آیند، به گونه‌ای است که گویی با ساختار هر سه زبان تفاوت دارد. همان‌گونه که گفتیم، هنگام رمزگردانی، دو چهارچوب ذهنی، کاملاً از هم جدا بودند و به همین سبب، رمزگان‌ها نیز از یکدیگر تفکیک شده بودند؛ اما در اینجا، آمیختگی رمزگان‌ها نشان می‌دهد چهارچوب‌های ذهنی، کاملاً از هم جدا نیستند و وضعیتی آمیخته دارند. در اینجا، با حوزه‌هایی ادغام شده^۱ سروکار داریم؛ بدین صورت که گویی در این پدیده، چهارچوب‌های ذهنی با هم ادغام شده‌اند. چهارچوب ذهنی ارزیابانه با چهارچوب ذهنی غیرارزیابانه ادغام می‌شود و حوزه سومی شکل می‌گیرد که دارای رمزگانی آمیخته است. فرایند توضیح دادن متن انگلیسی و ترجمه فارسی به زبان کردی، دو چهارچوب ذهنی ارزیابانه و غیرارزیابانه را

فعال می‌کند و به همین دلیل، رمزگان‌های وابسته به آن‌ها نیز به صورت هم‌زمان، فعال می‌شوند و ساختی آمیخته را پدید می‌آورند. در نمودار زیر، این پدیده را نشان داده‌ایم:



شکل ۳. رمز آمیختگی

۶. عوامل مؤثر در رمزگردانی و رمز آمیختگی در تعامل‌های زبانی در کلاس‌های آموزش انگلیسی

تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر زبان، اجتناب‌ناپذیر است و در بخش‌های قبل، چهار عامل مؤثر بر رمزگردانی، شامل فاصله اجتماعی، میزان منزلت، رسمیت، و نقش‌های عاطفی و ارجاعی را معرفی کردیم. در این بخش، با بررسی بعضی از این عوامل می‌کوشیم تأثیر آن‌ها بر فرایند رمزگردانی در کلاس‌های آموزشی انگلیسی در شهر بوکان را نشان دهیم.

فاصله اجتماعی، بیانگر نوع رابطه افراد است و می‌توان آن را پیوستاری در نظر گرفت که دو سرحدش از یک طرف، با بیشترین حد هم‌بستگی و صمیمیت، و از طرف دیگر، با کمترین حد هم‌بستگی و بیشترین فاصله اجتماعی مشخص می‌شود. رمزگانی که برای نشان دادن هم‌بستگی زیاد و رابطه صمیمی بین افراد انتخاب می‌شود، بی‌شک، متفاوت با رمزگانی است که برای بیان فاصله و هم‌بستگی کم استفاده می‌شود. علت رمزگردانی،

ممکن است یکی از این دو حد باشد. استفاده از زبان کردی در این کلاس‌ها نشانگر هم‌بستگی زیاد میان معلم و شاگردان است که به پیشینه مشترک زبانی، فرهنگی و قومی آنان بازمی‌گردد و در مقابل، زبان فارسی را می‌توان دارای هم‌بستگی ای کم دانست. رمزگردانی از فارسی به کردی، ممکن است برای نشان‌دادن هم‌بستگی زیاد صورت گیرد. یکی دیگر از عوامل مؤثر بر نوع انتخاب رمزگان، رسمیت است. اگر رسمیت را همچون پیوستاری در نظر بگیریم، یک سرحد آن، با بیشترین رسمیت و سرحد دیگرش با کمترین رسمیت، همراه است، این دو عامل نیز بر فرایند رمزگردانی مؤثرند. فارسی، زبان رسمی است و متن‌های رسمی و آموزشی به این زبان نوشته می‌شوند. در کلاس‌های موردبحث نیز برای تمام نوشته‌ها و ترجمه‌ها، به تأثیر از قوانین آموزش و موقعیت‌های رسمی، از زبان فارسی استفاده می‌شود و از زبان کردی، بیشتر در موقعیت‌هایی غیررسمی همچون شوخی و تهدید به کار می‌رود. رمزگردانی از فارسی به کردی و بالعکس نیز در بسیاری از موارد، متأثر از این عامل است.

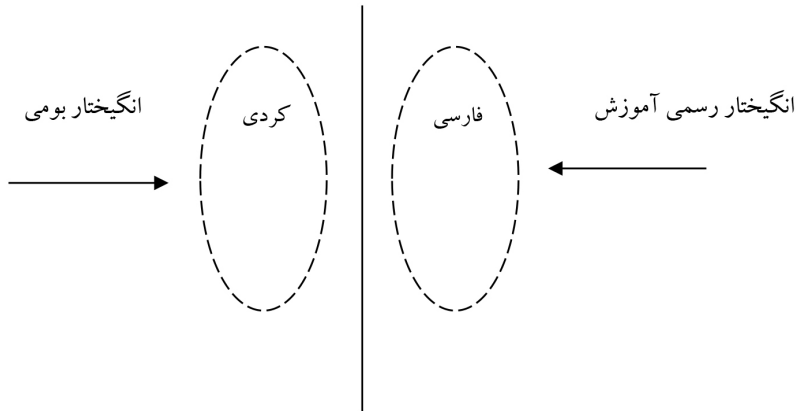
دیگر عامل بسیار مهم در رمزگردانی، نقش‌های ارجاعی و عاطفی زبان است. یکی از عوامل رمزگردانی، این است که یک رمزگان برای بیان اطلاعات ارجاعی و رمزگان دیگر برای بیان نقش عاطفی استفاده می‌شود. در پی بررسی نمونه‌ها درمی‌یابیم از زبان کردی، برای تنبیه، فرمان‌دادن، احوال‌پرسی و شوخی استفاده می‌شود و همین مسئله نشان می‌دهد رمزگان کردی، حاوی مفاهیم عاطفی زیاد است؛ اما زبان فارسی برای آموزش و ترجمه به کار می‌رود و بدین ترتیب، توانایی و کارکرد ارجاعی دارد؛ بر این اساس می‌توان رمزگردانی را این‌گونه توصیف کرد که معلم و شاگرد برای انتقال‌دادن محتویات عاطفی، از رمزگان کردی استفاده می‌کنند و برای بیان محتوای ارجاعی و اطلاعاتی، رمزگان فارسی را به کار می‌گیرند. این پدیده علاوه‌بر رمزگردانی، در رمزآمیختگی نیز دیده می‌شود. در نمونه‌های رمزآمیختگی، بیشتر کلمه‌ها فارسی‌اند و حروف ربط، حروف اضافه و فعل‌ها کردی هستند؛ بدین ترتیب، این پیوستار حتی در رمزآمیختگی نیز صدق می‌کند. بیشتر کلمه‌های دارای محتوای آموزشی، فارسی و انگلیسی‌اند و زبان کردی، کمترین میزان از بار آموزشی و اطلاعاتی را دارد؛ پس می‌توان جایگاه زبان‌های کردی و

فارسی را روی این دو پیوستار، این گونه تعیین کرد که زبان کردی، دارای بیشترین بار عاطفی و کمترین بار اطلاعاتی است و فارسی نیز کمترین بار عاطفی و بیشترین بار اطلاعاتی را دارد. رمزگردانی‌ها به قصد انتقال بار عاطفی یا اطلاعاتی، از این پیوستار پیروی می‌کنند.

در این کلاس‌ها، رمزگان کردی، نقش نمادین ایفا می‌کند؛ البته واضح است که می‌توان از زبان فارسی هم برای توضیح دادن مطالب یا احوال‌پرسی استفاده کرد؛ اما رمزگان کردی برای نشان دادن هم‌بستگی قومی و هویت بومی به کار می‌رود.

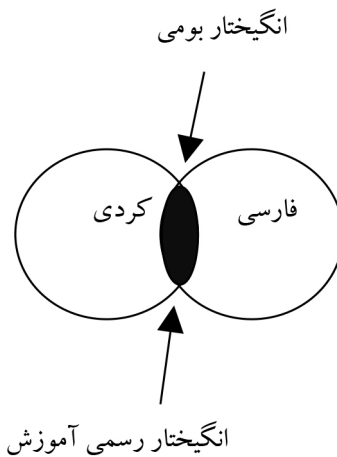
همان گونه که در این بخش دیدیم، در فرایندهای رمزگردانی و رمزآمیختگی، رمزگان کردی با هم‌بستگی قوی، رسمیت کم، انتقال اطلاعات عاطفی و نشان دادن هویت بومی، مرتبط است و رمزگان فارسی نیز با هم‌بستگی ضعیف، انتقال اطلاعات ارجاعی و پیروی از قوانین رسمی آموزشی ارتباط دارد. هرکدام از این عوامل هنگام رمزگردانی و رمزآمیختگی، مانند انگیزه‌هایی، زبانمندان را برای استفاده از رمزگانی خاص تحریک می‌کنند. عواملی که رمزگان کردی را فعال می‌کنند، انگیختار بومی^۱ و عواملی که رمزگان فارسی را فعال می‌کنند، انگیختار رسمی آموزشی^۲ نام دارند. هنگام رمزگردانی از رمزگان کردی به فارسی و بالعکس، این دو انگیختار در حال رقابت و تعامل با یکدیگرند و هر کدامشان غالب شود، رمزگان مربوط به آن، فعال می‌شود؛ مثلاً در بافت ترجمه و نوشتن جزوه، انگیختار رسمی آموزشی، غلبه دارد و بدین ترتیب، رمزگان فارسی، فعال می‌شود؛ اما در بافت احوال‌پرسی، توضیح و تنبیه، انگیختار بومی غلبه می‌کند و رمزگان کردی، فعال می‌شود. این وضعیت رقابت انگیزه‌ها در رمزگردانی را در شکل زیر می‌توان مشاهده کرد:

1. Native Motivation
2. Formal Educational Motivation



شکل ۴. انگیختارهای موثر بر رمزگردانی

رمزآمیختگی را نیز می‌توان برحسب این دو انگیختار، بدین صورت توضیح داد که وقتی در فرایند رمزآمیختگی، از زبان‌های فارسی و کردی، به‌صورت هم‌زمان استفاده می‌شود، هر دو انگیختار به‌صورت هم‌زمان، فعالیت می‌کنند و هیچ‌کدام نمی‌تواند دیگری را کنار بزند؛ از این روی، به‌دلیل فعالیت هم‌زمان هر دو گروه از انگیختارها، رمزگان‌های وابسته به آن‌ها نیز به‌صورت هم‌زمان حضور دارند و به همین دلیل، آمیخته می‌شوند. نمودار زیر، این وضعیت را نشان می‌دهد:



شکل ۵. انگیختارهای موثر بر رمزآمیختگی

۷. نتیجه‌گیری

بررسی داده‌ها نشان می‌دهد در کلاس‌های آموزش زبان انگلیسی در مناطق کردنشین، رمزگردانی‌های موقعیتی، استعاری و نیز رمز آمیختگی وجود دارد و این سه نوع رمزگردانی، به شدت به چهارچوب‌های ذهنی مشارکان در کلام، وابسته‌اند. براساس یافته‌های این مقاله، عامل تعیین‌کننده نوع رمزگردانی، چهارچوب‌های ذهنی افراد است که اطلاعاتی درباره موقعیت و موضوع را دربر دارد. تغییر چهارچوب‌های ذهنی مرتبط با الزام‌های متفاوت اجتماعی، رمزگردانی موقعیتی را پدید می‌آورد و دگرگونی چهارچوب‌های ذهنی مرتبط با موضوعات خاص، سبب شکل‌گیری رمزگردانی استعاری می‌شود؛ علاوه بر این، بررسی داده‌ها نشان می‌دهد زیان‌کردی، رمزگانی نمادین است که بیشترین بار عاطفی و هویتی را دارد و نشانگر هم‌بستگی زیاد افراد در موقعیت ارتباطی است؛ علاوه بر این، زبان فارسی، رمزگانی حاوی بیشترین اطلاعات ارجاعی و رسمیت زیاد است و فاصله اجتماعی‌ای زیاد را نشان می‌دهد. هر یک از این عوامل به مثابه دو انگیختار کلی‌اند و رقابت و تعادل بین آن‌ها پدیده‌های رمزگردانی و رمز آمیختگی را نشان می‌دهد. در رمزگردانی از فارسی به کردی، انگیختار بومی و در رمزگردانی از کردی به فارسی، رمزگان رسمی آموزش، فعال است. در فرایند رمز آمیختگی، هر دو انگیختار با هم در حال تعامل‌اند و هیچ‌کدام بر دیگری غالب نیست و بدین ترتیب، دو رمزگان به صورت ترکیبی ظهور می‌کنند. در رمزگردانی‌های موقعیتی و استعاری، الزام‌ها و قوانین اجتماعی یا موضوعات خاص به صورت چهارچوب‌هایی در ذهن افراد، درونی و با رمزگان‌هایی خاص، همراه می‌شوند. فعال‌شدن این چهارچوب‌های ذهنی مانند چهارچوب‌های ذهنی ارزیابانه و غیرارزیابانه در ذهن افراد، باعث فعال‌شدن رمزگان‌های فارسی یا کردی می‌شود. در کل، بررسی داده‌های تحقیق نشان می‌دهد میان زبان (رمزگان)، بافت و ذهن (چهارچوب‌های ذهنی) در این موقعیت‌های ارتباطی، هم‌بستگی‌ای عمیق وجود دارد.

منابع

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۴). *تاریخ زبان فارسی*. تهران: سمت.
- Blom, Jan-Petter and John Gumperz (2009). “Social Meaning in Linguistic Structure: Code-Switching in Norway”. *Sociolinguistics: Critical Concepts in linguistics*. Edited by Nikolas Coupland and Adam Jaworski. London and New York: Routledge. PP. 42-69.
- Brown, Gillian and George Yule (1983). *Discourse Analysis*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Bullok, Barbara and Toribio Almedeia Jacqueline (2009). “Themes in the Study of Code-Switching”. *Cambridge Handbook of Linguistic Code-Switching*. Cambridge and New York: Cambridge University Press. PP. 1-18.
- Edwards, John (2009). *Language and Identity*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Eslami Rasekh, Abbas, Ne’matullah Shomoossi and Mas’oud Soleimani (2009). “Code-Switching as a New Strategy: Speak English to Overcome Your Shyness”. *Iranian Journal of Language Studies*. V. 3 (21). PP. 225-234.
- Fillmore, Charles J. and Collin Baker (2009). “A Frames Approach to Semantic Analysis”. *The Oxford Handbook of Linguistic Analysis*. Edited by: Bernd Hein and Heiko Narrog. Oxford: Oxford University Press.
- Geeraert, Dirk, Gitte Kristiansen and Yves Peirsmen (2010). *Advances in Cognitive Sociolinguistics*. Berlin and New York: De Gruyter Mouton.
- Hudson, R.A. (1980). *Sociolinguistics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Holmes, Janet (1992). *An Introduction to Sociolinguistics*. London and New York: Longman.
- Kim, Lam and Fereshteh Rezaeian (2007). “Code Switching in Persian-English and Korean-English Conversation: With a Focus on Verb Construction”. *Northwest Linguistics Conference*. Victoria B. C. FEB 17-19. PP. 232-244.
- Kristiansen, Gitte and Rene Driven (2008). *Cognitive Sociolinguistics*. Berlin and New York: De Gruyter Mouton.

- Lee, David (2001). *Cognitive Linguistics: An Introduction*. Oxford: Oxford University Press.
- Mahootian, Shahrzad (1996). "Code-Switching and Universal Constraints: Evidence from Farsi-English". *World Englishes*. V. 15. N. 3. PP. 377-384.
- Momenian, Mohammad and Reza Ghafarsamar (2011). "Functions of Code-Switching among Iranian Advanced and Elementary Teachers and Students". *Educational Research and Reviews*. V. 6(13). PP. 769-777.
- Myers, Carol (1995). *Social Motivation for Code Switching: Evidence from Africa*. New York: Scotton Clarendon Press.
- Rezvani, Ehsan and Abbas Eslami Rasekh (2011). "Code-Switching in Iranian Elementary E. F. L. Classrooms: An Exploratory Investigation". *English Language Teaching*. N. 1. PP. 18-25.
- Trudgill, Peter (2000). *Sociolinguistics: An Introduction to Language and Society*. Fifth Edition. London: Penguin Books.
- Van Dijk, Teunen A. (2001). "Critical Discourse Studies: A Sociocognitive Approach". *Methods of Critical Discourse Analysis*. P. 95-120. Edited by R. Wodak and Meyer. London: Sage.
- Wardhaugh, Ronald (1992). *An Introduction to Sociolinguistics*. Second Edition. Oxford: Blackwell.
- Widdowson, H.G. (2007). *Discourse Analysis*. Oxford: Oxford University Press.